

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

موسوی

۰۹.۰۹.۰۹

سالی گذشت مگر سؤالی پاسخ نیافت

آنهاییکه بر این قلم منت گذاشته نوشته هایم را از نظر می گذرانند شاید به خاطر داشته باشند که سال قبل در همین روز ضمن تحریر یک نوشته کوتاه زیر عنوان " در انتظار یک پاسخ عالمانه و فقهی " سؤالی را از تمام داعیان و راهیان اسلام سیاسی پرسیدم، هر چند امیدوار نبودم تا آنها جرأت نموده به آن پرسش پاسخ قناعت بخشی ارائه دهند، باز هم این انتظار می رفت که این روند فکری به خود زحمت داده چند کلمه ای را سر هم بندی نموده و به مثابه پاسخ تقدیم خوانندگان نمایند، که با تأسف از سنگ صدا بلند شد مگر از اسلام سیاسی چیزی به گوش نرسید.

قبل از آن که خود به ادامه آن بحث پردازم برای آنچه از خوانندگانی که با قضیه آشنائی ندارند، به صورت مختصر باید سؤال را مجدداً مطرح نمایم:

از آنجائیکه ، اسلام سیاسی در افغانستان اجازه و حقانیت "جهاد" خود را علیه دولت "داوود" از اخوان بین المللی اخذ می نماید و به همان اساس کسانی را که در تقابل با آن دولت کشته شده اند، شهید اعلام میدارد؛ باید روشن بسازد که آیا احمد شاه "مسعود" را که به دستور همان منبع به قتل رسیده است ، چه میدانند شهید و یا مباح الدم؟ زیرا در صورتیکه منبع فتوا صلاحیت شرعی فتوا را در زمینه صدور حکم اولی داشته باشد به یقین عین صلاحیت را در صدور حکم دوم نیز دارد و هر گاه منبع فتوا دهنده این صلاحیت را در مورد دوم نداشته باشد در نتیجه فتوای اولی نیز فاقد پشتوانه شرعی گردیده بدان وسیله تمام آنهایی را که داوود اعدام نموده است نتنها شهید نیستند بلکه به مثابه باغی مقابل ولی امر مسلمین از مجازات اخروی نیز در امان نخواهند ماند.

داعیان و راهیان اسلام سیاسی با تمام ادعا های عریض و طویل نخواستند به این پرسش پاسخ ارائه دهند هر چند در همچو مسائلی سکوت و پاسخ ندادن به سؤال هم خارج از اشکال شرعی نیست. خوب حالا که آنها نخواستند، از دید شرعی پاسخ ارائه دهند، من هم بیش از این معطل نشده به پرسش مطروحه از موضع یک افغان که منافع ملی و رفاه مردم این سرزمین برایش مقدم تر و مقدس تر است، می پردازم. امید است این پاسخ به رگ غیرت "اسلامی" داعیان اسلام سیاسی بر خورده باب بحث را در چنین مسأله ای مفتوح نماید.

از دید من به مثابه یک افغان، نتنها هیچ دین و آئین بلکه هیچ ایدئولوژی و یا طرز تفکری نمی تواند هدف از مبارزه باشد. بلکه تمام ایدئولوژی ها و ادیان ابزاری اند که معتقد به آن می خواهد در پرتو آن به مردم خویش خدمت نموده ، سعادت و رفاه زندگی را برای آنها مهیا سازد.

ادیان و ایدئولوژی ها تا زمانی می توانند مورد استفاده و مد نظر قرار داشته باشند که با اصل رفاه ، سعادت و آزادی های دموکراتیک انسانهای یک جامعه در تقابل قرار نگرفته باشند. خلاف آن وقتی افکار و ایدئولوژی ها مانع رشد اجتماعی و رفاه همگانی گردند، تقدم اصالت و اهمیت هدف نسبت به وسیله بر ما حکم می نماید تا بر چنان افکاری خط بطلان کشیده، تأمین منافع مردم و سربلندی کشور را بر تر از همچو تفکر اتمی بدانیم.

با در نظر داشت چنین طرز دیدی، برای من افغان، آزادی و سرفرازی کشور و رفاه مردم آن اساس قرار گرفته تمام ادیان ، و ایدئولوژی ها در مقایسه با آن اهمیت درجه دوم پیدا می نمایند .

به عبارت رساتر، وقتی پای موجودت و آزادی افغانستان و رفاه و سعادت مردم آن در میان باشد ، نتنها هیچ دین و آئینی و یا ایدئولوژی نسبت به آن مقدم تر نیست بلکه باید حاضر بود تا به دفاع از میهن و حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم آن بر روی بنیان گزاران همچو ادیان و ایدئولوژی ها نیز شمشیر کشید.

وقتی از این منظر به مواضع داعیان اسلام سیاسی در هر دو زمان نگریسته شود، به وضاحت به ملاحظه می رسد که تمام آنها کمترین تعلقی به خواستهای ترقی خواهانه مردم و سربلندی و شکوفائی کشور ما نداشته به مثابه عاملین بیگانه در تمام دوران حیات ننگین شان فقط به خاطر تأمین منافع بیگانگان و چماق دست آنان دست به کشتار خلق ما زده اند . در نتیجه از دید این قلم هر دو بخش داعیان اسلامی از عمر و مولوی حبیب الرحمن تا احمد شاه مسعود همه دشمنان آزادی و استقلال کشور و رفاه مردم ما بوده هیچ یک از آنها نمی توانند شهید به شمار روند.

از دید اسلامی هم وقتی به مفهوم " اللهم اشغل ظالمین .. الخ" توجه نمائیم دیده می شود که مشغول شدن ظالم به دست ظالم سبب کسب درجه برای هیچ یک از آنها نگردیده هر دو از کسانی به شمار میروند که در دنیا و آخرت خساره مند می باشند.

لینک مقاله "در انتظار یک پاسخ عالمانه و فقهی":

<http://www.afgazad.com/Eteghadi/09-09-08-Mosawe-Marge-Masaod.pdf>